

بررسی اهمیت شاخص‌های تقلب بالقوه مالی

دکتر محمد رضا نیکبخت

عضو هیئت علمی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

دکتر محمد جواد شیخ

دکتری حسابداری دانشگاه تهران

چکیده

در این پژوهش اهمیت علایم هشدار دهنده از طریق بررسی دیدگاه‌های مدیران مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران از طریق تکنیک تحلیل عاملی و مشخص نمودن تفاوت معنی دار بین دو دیدگاه صورت پذیرفت. نتایج پژوهش نشان دهنده این است که تمامی ۴۲ علامت هشدار دهنده مندرج در پرسش‌نامه بعنوان علامت هشدار دهنده توسط دو گروه شناسایی شده‌اند همچنین با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی به روش اکتشافی مشخص گردید که این علایم از ۵ عامل به ترتیب ریسک پذیری و خطر جویی، ویژگیهای مدیریت، ویژگیهای اقتصادی، بی‌ثباتی، ناتوانی و ناکافی بودن سود آوری، ویژگیهای ساختاری اشباع شده اند به علاوه نتایج آزمون t مؤید عدم وجود تفاوت معنی دار در اکثر علایم هشدار دهنده است.

واژه های کلیدی: علایم هشدار دهنده^۱، تقلب^۲، اشتباه^۳، ریسک حسابرسی^۴، تحلیل عاملی^۵

مقدمه

در چارچوب قراردادهای کارگزاری یکی از طرفین کارفرما و دیگری کارگزار است. یکی از این قراردادها، قرارداد بین مالکیت به عنوان صاحبکار و مدیریت به عنوان کارگزار است. علی القاعده کارگزار میبایست حافظ منافع صاحبکار باشد. لیکن در عمل به استناد فرض حداکثر کردن منافع شخصی^۱، افراد به دنبال حداکثر کردن منافع خود هستند. از آنجاییکه نوعاً بین منافع طرفین قرارداد عدم همسویی (تضاد) وجود دارد، این عدم همسویی منافع مولد انگیزه برای کارگزار در جهت بهینه نمودن منافع خویش است. بهینه نمودن منافع کارگزار، در شرایط عدم همسویی منافع، طبعاً میبایستی مصالحه منافع کارفرما را در برداشته باشد. این بهینه نمودن نوعاً در قالب عدم رعایت مفاد قرارداد بین صاحبکار و کارفرماست.

عدم رعایت قراردادها در شیوه های مختلف قابلیت اعمال داشته و از آنجاییکه عدم رعایت مذکور ماهیتاً می بایستی به صورت عمدی صورت پذیرد، نوع اقدامات انجام شده در این زمینه تحت عنوان "سوء جریانات یا تقلبات" نامیده می شود. موضوع عدم رعایت مفاد قرارداد منجر به زیانهای قابل ملاحظه ای می گردند. پژوهشهای انجام شده و یا آمارهای موجود در این خصوص مبین گستردگی زیانهای وارده است. به منظور حداقل نمودن احتمال انجام اینگونه رخدادهای از دو شیوه می توان استفاده نمود.

الف) روشهای تنبیهی: برای استفاده از این روشها بایستی منتظر بود تا اتفاق رخ دهد و متعاقباً در چارچوب قوانین و مقررات موضوعه برخورد نمود.

1 - Red Flag

2 - Fraud

3 - Error

4 - Audit Risk

5 - Factor Analysis

6 - Economic Rationality Assumption

ب) روشهای بازدارنده: در این شیوه شرایط و زمینه‌های مناسب برای سوء جریانات و تقلبات مالی را از طریق شناسایی عوامل زمینه ساز و یا تاثیر گذار بر آنها و انجام اقدامات لازم احتمال رخداد را کاهش داد. از آنجاییکه روشهای تنبیهی تنها پس از رخداد میتواند انجام شود. لذا بنگاه‌ها متحمل زیان شده و در اغلب موارد زیان تحمیل شده قابل برگشت نیست. لذا به طور منطقی می‌توان استدلال نمود که روشهای بازدارنده ارجح است. یکی از شروط لازم به‌منظور اعمال اقدامات بازدارنده، شناسایی گذشته عواملی است که وجود آنان می‌توانند زمینه ساز رخداد سوء جریانات یا تقلبات گردد. در این پژوهش چنین عواملی تحت عنوان "عوامل هشدار دهنده"^۱ معرفی می‌شود. که اصطلاحاً در ادبیات پرچم‌های قرمز^۲ نیز نام دارد.

اولین هدف این پژوهش، بررسی اهمیت عوامل هشدار دهنده یعنی عواملی که وجود آنان در یک بنگاه زمینه ساز رخداد سوء جریانات و تقلبات خواهد بود. بررسی عوامل مذکور از طریق بررسی دیدگاه‌های مدیران مالی بنگاه‌های تجاری و حسابرسان مستقل انجام خواهد گردید و سپس تفاوت‌های معنا دار بین دیدگاه‌های دو گروه پرسش شوندگان شناسایی خواهد شد.

پس از مشخص شدن علایم هشدار دهنده سوالی که ممکن است مطرح گردد این است که درجه اهمیت این علایم نسبت به یکدیگر چیست و ضرایب حاکی از اهمیت نسبی آنها کدام است که حدود ایجاد خطر در ذهن حسابرس تصور شود. در پاسخ به این سوال سعی شده است با استفاده از روش تجزیه و تحلیل عاملی میزان اهمیت هر یک از علایم هشداردهنده نسبت به سایر عوامل با اجماع نظر حسابرسان مستقل و مدیران مالی سنجیده شده ضرایب اهمیت بین این عوامل آرایه گردد.

ادبیات پژوهش

تئوری کارگزاری و به‌کارگیری آن در وقوع تقلب مدیریت

تئوری کارگزاری براساس این نظریه استوار می‌باشد که شرکت‌ها در چارچوبی قانونی و با به خدمت گرفتن پیوندی از مجموعه ارتباطات قسرازدادی بین اشخاص ذینفع

1 - Warning sings

2 - Red Flags

به وجود آمده اند که هریک از اشخاص دارای منافع مشخص خویش بوده که لزوماً همسو نیست و مالکیت و مدیریت از یکدیگر جدا است به اعتقاد دستز و آشیان^۱، مک لینگ و جنسن^۲ و فاما^۳ این عدم همسویی زمانی به وجود می آید که یک یا چند مالک برای انجام خدماتی، یک مدیر را به عنوان کارگزار خود انتخاب می کنند و می باید از طرف آنها تصمیم گیری نماید همچون اسپنس و زیگهاوسر^۴ معتقدند در قالب این نظریه می توان بنگاه تجاری را در قالب مجموعه ای از قراردادهای مختلف بین طرفین ذینفع دانست.

از نظر جنسن و مک لینگ، فاما و جنسن، و سیوتر و وگت^۵ علایق فردی هرکس بستگی به تابع مطلوبیت و وضعیت ثروت وی دارد (که احتمالاً مالک و مدیر دارای تابع مطلوبیت و وضعیت ثروت یکسان نیستند) بنا براین هریک از طرفین به اقداماتی دست خواهند زد که زیان طرف دیگر را در بردارد. آدام اسمیت^۶ معتقد است مدیران شرکت های سهامی منابع مالی بیشتری را نسبت به مردم مدیریت می کنند و نمی توانیم توقع داشته باشیم که آنها از ثروتی که در اختیار دارند با همان دلواپسی مراقبت نمایند که مدیران مالک از آنها مراقبت می کنند. از اینرو با توجه به ترجیحات ریسک و رفتارهای مختلف به وسیله مدیران زمینه برای انجام تقلب از سوی برخی از مدیران وجود دارد. به اعتقاد مکی^۷ مدیران در صورتی که بخواهند دست به انجام تقلب بزنند به دلیل اینکه در صورت کشف رفتار در شهرت آنان تاثیر منفی خواهد داشت لذا با هزینه های شخصی بالایی روبرو خواهند شد با توجه به تعیین میزان حقوق و مزایای آنان توسط بازار رقابتی نیروی کار متحمل هزینه به میزان کاهش در حقوق و دستمزد می گردند. و به اعتقاد فاما بازار نیروی کار مدیریت آرایه کننده یک مکانیزم متعادل کننده خارجی در اداره شرکت ها است.

جنسن و مک لینگ مطرح می کنند در صورتی که کارفرما هزینه های نظارتی دقیق بر روی اعمال کارگزار را بپذیرد احتمال سوء رفتار تقلب آمیز کارگزار و عدم همسویی

1 - DEMESTZ & ALCHIAN (1972)

2 - JENSEN (1976), MECKLING

3 - FAMA (1980)

4 - SPANCO & ZECKHAUSER (1971)

5 - SEHOTHER & WUGETT (1992)

6 - ADAM SMITH (1976)

7 - MACY (1991)

منافع بین طرفین کاهش می‌یابد از بحث فوق چنین استنباط می‌شود که در نتیجه پذیرش هزینه‌های نظارت دقیق، وقوع تقلب مدیریت کم می‌شود لیکن احتمال آن از بین نمی‌رود (Macy 1991).

در صورتی که قراردادهای بین طرفین با هدف حداقل کردن اختلاف منافع بین کارفرما و کارگزار منعقد گردد این کاهش اختلاف در منافع منجر به ارزشمند بودن قراردادهای منعقد می‌گردد (BEASLY, EISENHARDT 1989, 1994). از آنجاییکه سهامداران با فرض دارا بودن یک پرتفوی متنوع، دارای ریسک کمتری هستند. بنابراین زمانی هزینه‌های نظارت بر رفتار کارگزاران را تامین می‌کنند که مطلوبیت نهایی ناشی از یک دلار هزینه نظارت برابر با مطلوبیت نهایی بازده ناشی از مالکیت آنها باشد در غیر این صورت وجود نظارت را ترجیح نمی‌دهند (JENSEN & MECKLING 1976).

به استناد تئوری کارگزاری مدیران ممکن است برحسب اینکه بخواهند وضعیت شرکت یا بخش خود را بهتر نشان دهند اقدام به تقلب نمایند. به‌رحال این واقعیت که برخی از مدیران شرکت‌ها ترجیح می‌دهند که رفتار تقلب‌آمیز داشته باشند، پذیرفتنی است. این رفتار ممکن است تحت تاثیر این واقعیت باشد که سهامداران نمی‌توانند تمامی اعمال مدیران را مشاهده کنند. بنابراین مدیران ممکن است ارقام بالایی را صرف ریخت و پاش و هزینه‌های خود نمایند یا اعمال فرصت طلبانه‌ای را انجام دهند که ثروت آنها افزایش یافته و متقابلاً ارزش شرکت کاهش یابد. چنین رفتاری معمولاً بیشتر زمانی اتفاق می‌افتد که نظارت بر اعمال مدیران ناکافی باشد. وجود شرایط مقطعی در محیط یک شرکت ممکن است موجب رفتار تقلب‌آمیز مدیران شود. همچنین شرایط خارجی نیز ممکن است در سازمان موجب رفتار تقلب‌آمیز گردد.

به‌صورت خلاصه در چارچوب تئوری کارگزاری در ارتباط با رابطه بین کارفرما و کارگزار از نقطه نظر ریسک بین دو طرف تفاوت وجود دارد. به‌دلیل اینکه سهامداران بی‌تفاوت در قبال ریسک فرض شده‌اند در صورتی که مدیران نسبت به ریسک و شغل خود برعکس هستند. به‌علاوه عدم همسویی منافع بین مدیران و سهامداران می‌تواند وجود داشته باشد و به‌دلیل وجود چنین مطالبی سهامداران بر رفتار مدیران اعمال نظارت می‌کنند. بنابراین می‌توان چنین استنباط نمود که تقلب مدیریت پدیده‌ای است که

کمترا اتفاق می افتد. برخی بینش های ارائه شده توسط تئوری کارگزاری نیز موید همین ادعاست.

رفتار برخی از مدیران که دست به اعمال تقلب آمیز می زنند می تواند به دلیل فشار در رسیدن به نتایج مالی و نشان دادن رو به رشد بودن شرکت و فرضیه منفعت شخصی باشد این عوامل و انگیزه ها ممکن است در شرکت هایی که در آنها تقلب بوجود آمده و شرکت هایی که دارای تقلب بوده اند تفاوت داشته باشد. از این گذشته، رفتار تقلب آمیز مدیران به وسیله یک سیستم نظارتی اثر بخش می تواند تحت تاثیر قرار گیرد و در شکل سیستم نظارتی غیر کارآ، نظر مدیران نسبت به قبول ریسک ممکن است تغییر پیدا کند، به دلیل اینکه با عواقب منفی کمتری روبرو خواهند بود بنابراین آنها را تحت تاثیر قرار می دهد از اینرو یک سیستم نظارتی غیر کارآ انگیزه درگیر شدن در فعالیتهای تقلب آمیز را برای مدیران فراهم می کند (SAKSANA, 1997).

۳- پیشینه پژوهشهای انجام شده

در اوایل دهه ۱۹۸۰ در جامعه آمریکا آمار تحریفات صورت های مالی افزایش یافت از طرفی نقش حسابرس در کشف تحریفات صورت های مالی مهمتر از گذشته گردیده و این مشکل به موضوع بحث برانگیزی تبدیل شده بود در پاسخ به بررسی علل تحریف صورت های مالی و تقلب و نقش حسابرس در این خصوص کمیسیون خاصی تحت عنوان کمیسیون ملی رسیدگی به تقلب در گزارش های مالی تشکیل شد که ریاست آن را جیمز تردوی رییس کارگزاران بورس اوراق بهادار بر عهده داشت و از همین رو به کمیسیون تردوی نیز معروف شد.

این کمیسیون تحت نظارت مشترک انجمن حسابداران رسمی آمریکا (AICPA)، انجمن اساتید حسابداری آمریکا (AAA)، انجمن مدیران اجرایی مالی (FEI)، انجمن حسابرسان داخلی (IIA) و انجمن حسابداران (NAA) بود کمیسیون تردوی گزارش نهایی خود را در اکتبر ۱۹۸۷ منتشر نمود. این گزارش در برگزیده توصیه های تفضیلی به شرح ذیل بود (TREAD WAY, 1987)

۱ - توصیه برای شرکت‌های سهامی عام : کمیسیون خاطر نشان می‌کند که برای جلوگیری و کشف تقلبات مالی سیستم کنترل داخلی شرکت نقش اصلی را به عهده دارد و این مدیریت است که بایستی شرایط را برای تحقق گزارشگری مالی قابل اتکاء فراهم کند .

۲ - توصیه برای حسابرسان مستقل : حسابرس پس از مدیریت در رتبه دوم قرارداشته ولی معذالک برای کشف تقلب مالی نقش حساسی را بر عهده دارد . گزارش پیشنهاد می‌کند که حسابرس مستقل ، ملزم به کشف تقلبات مالی با اهمیت در صورت وجود می‌باشد .

۳ - توصیه کمیسیون به بورس اوراق بهادار و سایر مراجع قانونی جهت بهبود مقررات و قوانین محیطی : این توصیه ها اساساً خواهان افزایش تحریم‌ها و مجازات‌های کمیسیون اوراق بهادار و قدرت اجرایی متکی بر بهبود مقررات حرفه حسابداری عمومی است .

۴ - توصیه برای آموزش : کمیسیون خواهان افزایش توجه به اخلاق در متون درس کسب و کار و حسابداری شده است . کمیسیون بر این باور بود که اگر پیاده کردن مسایل اخلاقی و توجه به آن توأم با هماهنگی موثر با تلاش‌های حسابرسان مستقل باشد می‌تواند به جلوگیری و کشف تقلبات مالی کمک نماید .

به‌علاوه کمیسیون تردوی علایم هشداردهنده رادرگزارش خویش مشخص و بحث کرد و اعلام نمود که ۳۶ درصد دعاوی و پرونده هایی که به وسیله کمیسیون اوراق بهادارعلیه حسابرسان و موسسه‌های حسابرسی تشکیل گردیده مبنی بر این است که حسابرسان در جریان حسابرسی به این علایم توجه نداشته و آنها را با شک حرفه ای بررسی نکرده و یا نادیده گرفته اند بنابراین توجه حسابرسان مستقل به این علایم را مهم برشمرد .

برخی از پژوهشهایی که در زمینه علایم هشداردهنده توسسسط پژوهشگران صورت گرفته است شامل پژوهش‌هایی است که با استفاده از چک لیست علایم هشدار دهنده انجام شده است . سورن سون ، گرو و سلنتو^(۱۹۸۳) قدرت توانایی ۵۷ شاخص تقلب مدیریت را درخصوص پیش بینی تقلب در ۲۰ نمونه موردبررسی و آزمون قرار دادند.

آلبرچ و رومنی^۱ (۱۹۸۶)، طی پژوهشی به این نتیجه رسیدند که لیست علایم هشدار دهنده موجود برای شرکت ها نامربوط بوده و برخی از علایم هشدار دهنده آن معتبر نیستند. آنها یک چک لیست شامل ۸۷ علامت هشدار دهنده بر اساس پژوهش‌های قبلی تهیه و رایه نمودند. نتایج پژوهش ایشان حاکی از این مطلب بود که از ۸۷ علامت رایه شده ۲۰ علامت مهم و مربوط بوده و مابقی نامربوط می باشد. همچنین پینکاس^۲ (۱۹۸۹) قدرت علایم هشدار دهنده را از طریق توزیع پرسش‌نامه به دو گروه مورد بررسی قرارداد به یک گروه لیست علایم هشدار دهنده را رایه نمود در حالیکه گروه دیگر از حافظه خود استفاده کردند و مشخص گردید که علایم هشدار دهنده راهنمایی بیشتری برای ارزیابی موثرتر ریسک تقلب نیست به دلیل اینکه کسانی که از لیست علایم هشدار دهنده برای پاسخ خود استفاده نکرده بودند درست حدس زده بودند.

همچنین گیل^۳ (۱۹۹۲) در پژوهش خود به بررسی کارایی چک لیست علایم هشدار دهنده پرداخت. ایشان به یک گروه از شرکت کنندگان چک لیست علایم هشدار دهنده برای استفاده جهت برآورد احتمال تقلب دادند و از گروه دیگر خواستند شاخص های تقلب را که در حین کار با آنها مواجه می شوند در کار برگ‌های خود یادداشت نمایند. از هر دو گروه خواسته شد که وجود شرایط مورد تقلب را که به آنها رایه شده بود شامل فرصت، محرک و توانایی ارزیابی نموده و احتمال تقلب را برآورد نمایند. هیچ تفاوتی بین دو گروه در ارزیابی احتمال تقلب مدیریت که تحت تاثیر استفاده از چک لیست باشد مشاهده نگردید. همچنین با استفاده از داده های ورودی، نتایج با استفاده از مدل استخراج شد و مورد بررسی قرار گرفت و مشاهده شد که ارزیابی ریسک تقلب ارتباط ضعیفی با نتایج خروجی به وسیله مدل دارد.

آخرین پژوهش در این زمینه مربوط به هاکنبرگ^۴ (۱۹۹۳) بوده که ریسک تقلب در گزارشگری صورت‌های مالی را در ارتباط با علایم هشدار دهنده خاص مورد بررسی قرارداد نتایج پژوهش ایشان مشخص کرد که حسابرسان با توجه به تجربه‌های خود

1 - ALBERECH AND ROMNEY

2 - PINCUS

3 - GILL

4 - HACKENBRUCK

نظریه‌های متفاوتی نسبت به میزان ریسک تعیین شده به وسیله شاخص های مشخص علایم هشداردهنده داشته اند .

به‌طورکلی پژوهش‌هایی که در بالا ذکر شد به‌وسیله چک لیست انجام شده بودند و دارای ضعف‌های ذیل بودند : اول اینکه هیچ‌گونه راهنمایی برای ترکیب علایم هشداردهنده و وزن آنها در یک مدل ارزشیابی کلی ارایه نشده است، دوم چک لیست برای مواردی که حسابرسان می بایستی با دخالت تصمیمات استراتژیک اتخاذ نمایند آزمون نشده است (KAHNEMAN AND TVERSKY, 1972) و نهایتاً اینکه منافع حاصل از چک لیست پس از کمک به حسابرس جهت مشخص کردن علایم هشداردهنده از بین می رود (EIJNING, 1995) .

برخی از پژوهش‌ها به دنبال بدست آوردن یک مدل آماری برای کشف تقلب بودند که پژوهش لوبیک و ویلینگهام اولین آنها در این خصوص بود . آنان در سال ۱۹۸۸ برای نخستین بار چارچوبی را در قالب یک مدل راهنما برای کشف تقلب مدیریت ارایه نمودند که بعدها توسط لوبیک و سایرین در سال ۱۹۸۹ بسط داده شد .

لوبیک و ویلینگهام مدلی را برای بررسی تحلیلی جهت کشف احتمال تقلب مدیریت ارایه نمودند . در مدل آنها فرآیند تصمیم گیری و ارزیابی احتمال وجود تقلب مدیریت به سه جزء شرایط ، انگیزه و گرایش تقسیم شد . بر اساس این مدل تقلب مدیریت زمانی رخ می دهد که شرایط برای تقلب به‌وجود آید و مدیریت انگیزه و بینش این کار را داشته باشد . این مدل می تواند به صورت ذیل بیان شود :

$$P(MI) = F(C, M, A)$$

P = احتمال

MI = تخلفات با اهمیت

C (شرایط) = درجه ای است که در آن شرایط یک تقلب مدیریت می تواند رخ دهد

M (انگیزه) = درجه ای است که شخص یا اشخاص در موقعیتهای و مسئولیتهای شغلی لازم در یک واحد تجاری انگیزه برای انجام تقلب مدیریت دارند

A (گرایش) = درجه ای است که شخص یا اشخاص در موقعیتهای و مسئولیتهای شغلی لازم در یک واحد تجاری گرایش و یا مجموعه ای از اخلاقیات دارند که به آنها اجازه می‌دهد تقلب مدیریت را انجام دهند

در این مدل یک حقیقت مهم وجود دارد زمانی که هر سه جزء به طور همزمان وجود داشته باشد به احتمال خیلی زیاد تقلب مدیریت به وقوع می پیوندد و در شرایطی که یک جزء وجود نداشته باشد احتمال کمی از تقلب مدیریت وجود دارد .

لوبیک و سایرین^۱ (1989) بیان می کنند که " برای وقوع تقلب مدیریت می بایست :

- ۱ - شرایط واحد تجاری طوری باشد که بتوان یک تقلب مهم مدیریت را به انجام رساند .
- ۲ - شخص یا اشخاصی باشند که انگیزه ها یا دلایل انجام تقلب را داشته باشند .
- ۳ - شخص یا اشخاصی باشند که از نظر شخصیتی اجازه داشته باشند که دست به اقدامات ضد اخلاقی و تقلب بزنند .

چنانچه این سه شرط وجود داشته باشد به احتمال قریب به یقین تقلب مدیریت رخ داده و یا در آینده رخ خواهد داد . در صورتی که هر یک از عوامل فوق در یک محیط وجود نداشته باشد احتمال رخ دادن تقلب مدیریت در گذشته و آینده ضعیف می گردد . مدل لوبیک و ویلینگهام ارایه یافته های قبلی آنها می باشد . آلبرتینی و رومنی به صورت ذیل اظهارنظر کرده اند . مدیران درگیر تقلب می شوند زیرا :

- ۱ - در موقعیتی قرار دارند که با فشارهای بالایی روبرو هستند .
- ۲ - آنها با موقعیتهای جذاب برای انجام تقلب روبرو هستند. درقبال اقدامات غیرقانونی خودپنهان کاری نمی کنند یا تنبیه نمی شوند
- ۳ - تعداد کارکنان یکدست و با صداقت آنها کم است .

زمانی که یک فرد دست به تقلب می زند سه نیرو وجود دارد که با یکدیگر در تعامل هستند .

پژوهش‌های علمی
در حوزه علوم انسانی

مدل شامل مراحل زیر می باشد :

- ۱ - جستجو در مورد وجود علایم تقلب
- ۲ - به دست آوردن وزن علایم هشداردهنده به صورت انفرادی در اجزاء مدل یعنی فرصت ، انگیزه و توانایی در انجام تقلب اثر می گذارد .
- ۳ - ترکیب ارزیابی های انفرادی انجام شده در سه جزء یاد شده به منظور فراهم نمودن یک ارزیابی کلی از احتمال وجود تقلب مدیریت با اهمیت مدیریت نتایج لوبیک و ویلینگهام در برگیرنده لیستی از علایم هشدار دهنده جدید بود . ۲۲ علامت که در استاندارد ۵۲

پیشنهاد شده بود تغییر یافته و ۹ علامت به آن اضافه شد نویسندگان اضافه کردن آنها را در لیست بسیار مهم می دانستند. در این فرآیند علایم مطرح شده به دو بخش علایم اولیه و ثانویه تقسیم شده بودند که آنها را در ۷۱ مورد منتشره^۱ (AAERS) توسط کمیسیون بورس اوراق بهادار (SEC) که به نظر می آید شامل تقلب مدیریت باشند مشاهده کرده بودند. نهایتاً نویسندگان نمونه ای شامل ۵۱ مورد در برگیرنده اطلاعات کافی برای آزمون مدل را انتخاب کردند نتایج نشان داد که ۳۶ مورد از ۵۱ مورد (۷۱٪) دارای هر سه عامل شرایط، انگیزه و گرایش بودند. ۱۲ مورد از ۵۱ مورد دارای دو عامل بودند و ۲ نمونه (۴٪) دارای یکی از عوامل بودند و تنها یک مورد دارای هیچیک از سه عامل نبود. نتایج مذکور نشان داد که مدل آنها دارای قدرت توضیح دهنده برای پیش بینی تقلب مدیریت در آینده است.

لوبیک و سایرین (۱۹۸۹) از شرکای شرکت پیت مارویک (KMPG) نیز از ۱۶۵ نفر از ۲۷۷ نفر شرکا شرکت کننده در پژوهش خود پاسخ مثبت دریافت نمودند. نتیجه پژوهش ایشان ارایه یک لیست با جزییات بیشتر نسبت به لوبیک و ویلینگهام بود. آنها ۳۶ علامت هشدار دهنده در سه عامل محیط، انگیزش و گرایش به دست آوردند.

آنان به جای استفاده از موردهای منتشرشده توسط SEC از ۷۷ مورد واقعی ذکر شده توسط شرکاء شرکت کننده در پژوهش را مورد استفاده قرار دادند.

این ۷۷ مورد برای اعتبار بخشی به مدل ارزیابی لوبیک و ویلینگهام استفاده شد. مهمترین نتیجه ای که لوبیک و سایرین (۱۹۸۹) گرفتند این بود که در ۸۶٪ نمونه های تقلب حداقل یک عامل از سه عامل وجود داشت. این نتیجه به صورت قوی پیشنهاد می کرد که هر سه عامل شاخصهای مهمی برای تقلب مدیریت بودند. نتایج آزمون این مدلها در محیط تجربی موفقیت آمیز نبود. این عدم موفقیت به دلیل وجود شواهد ارایه شده به وسیله پژوهشهایی بود که نتوانست نشان دهد که تفاوتی بین توانایی پیش بینی حسابرسانی که از علایم هشدار دهنده استفاده کرده اند و کسانی که از این علایم استفاده نکرده اند وجود دارد (BOASTMAN, MOECKEL AND PEI 1994, EASIDY AND GILL) بی تفاوتی در نتایج ناشی از ضعف در تعریف و پاسخ بوده که به شرح زیر است:

اول ، علایم هشدار دهنده به صورت باثباتی تعریف نشده اند . دوم ، یک گروه نامناسب از پاسخ دهندگان به ساخت مدل کمک کرده اند . به دلیل اینکه علایم هشداردهنده مرتبط با دوره زمانی و فرآیند حسابرسی می باشد که مدیر در گیر آن بوده است بنابراین می تواند نسبت به شریک پاسخ مناسب تری ارایه نماید . سوم ، در اینجا برای متغیرهای مورد نظر یک تئوری ارایه نشده است .

والس^۱ و پینکاس از پژوهشگران خواستند که عوامل را بر اساس تئوریهای توسعه بدهند که واقعاً ایده خوبی را ارایه نمودند . بعد از منتشر شدن استانداردهای شماره ۸۴ و ۹۹ برخی از پژوهشگران به بررسی علایم هشداردهنده ارایه شده در استانداردهای مذکور پرداختند که پژوهشهای مهم صورت گرفته از سال ۱۹۹۴ به بعد به صورت خلاصه آورده شده است :

گزارش کوپرز و واتر هاوس : شرکت کوپرز و واتر هاوس که یکی از بزرگترین شرکت های حسابرسی و خدمات مالی دنیا می باشد در سال ۲۰۰۲ گزارشی در خصوص عوامل ریشه ای تقلب مالی (۱) که شامل چند بخش است را ارایه نمود . بخش نخست در رابطه با مرور کلی موضوع است در این بخش متذکر شدند که شرکت ها به ویژه شرکت های چند ملیتی و واحدهای تجاری جهانی در تمامی انواع خود به صورت مداوم به طور وسیعی در معرض ریسک قرار دارند .

در بخشهای بعدی مثالهایی در خصوص دسترسی به مشتریان ، دستیابی به سرمایه و تسلط داشتن شخصی آورده شده است و در بخش بعدی تحت عنوان چه کاری بایستی انجام دهیم بیان می کند که متاسفانه نمی توان یک پیشنهاد ساده یا راه همه جانبه برای پیشگیری از تقلب ارایه نمود . به هر حال هدف ، انگیزه و نوع اعمال تقلب متفاوت است . لذا دلیل کاهش فرصت تقلب مستلزم دقت بیشتری بوده و کار دشواری است .

مطالعات خاطر نشان می سازد که مجموعه کنترل های داخلی از ۵ جزء مرتبط با هم شامل : ۱ - محیط کنترلی ، ۲ - ارزشیابی ریسک ، ۳ - فعالیت های کنترلی ، ۴ - اطلاعات و ارتباطات و ۵ - نظارت تشکیل شده است . نظارت فقط شامل پرسنل و وظایف آنها نیست بلکه نظارت شامل همه افراد از جمله مدیران عالی و کارکنان دفتر مرکزی می شود نظارت

محققین	موضوع پژوهش	سال	یافته‌ها و نتایج پژوهش
Barbara ann	بررسی تضادات حسابرسان داخلی در ارتباط با اهمیت شاخصهای تقلب بافکوه مالی با روش AHP	۱۹۹۲	رتبب اهمیت علائم هشداردهنده از دیدگاه حسابرسان داخلی شامل ویژگیهای مدیریت، ویژگیهای شرکت و ویژگیهای صنعت است.
Fannig	نقش بررسیهای تحلیلی برای کشف تحریفات صورتیهای مالی	۱۹۹۴	بین ترکیب اعضا هیئت مدیره، کمیته حسابرسی، تغییر حسابرسی رصده سهام اعضای هیئت مدیره، تغییر افراد کلیدی حسابرسانی، تغییر روشهای حسابداری کیفیت شرکت حسابرسی کننده رشد سریع فروش، نسبتهای مالی و تحریف صورتیهای مالی رابطه وجود دارد.
Basidy Gail Boastman Moskel Pei	آزمون کارایی مدل لوبید و ویلینگهام و بررسی کارایی لیست علائم هشدار دهنده	۱۹۹۳	تفاوتی بین توانایی پیش بینی حسابرسانی که از علائم هشدار دهنده استفاده کرده و کسانی که استفاده نکرده اند وجود ندارد.
Persons	بررسی عوامل موثر در پیش بینی علل تحریف صورتیهای مالی	۱۹۹۵	شرکت‌هایی که صورتیهای مالی را تحریف نموده اند نسبت کمتری دارائیهایی کمتر دارند و مدیران آنها از دارائیهایی برای ایجاد درآمد استفاده می کنند.
McMullen	بررسی عوامل مرتبط با تقلب	۱۹۹۶	هر قدر شرکت‌های حسابرسی که شرکت را حسابرسی می کنند بزرگتر و معظورتر باشند میزان تقلب کمتر است و شرکت‌های جدید التاسیس میزان تقلب بیشتری نسبت به شرکت‌های قدیمی دارند و سودآوری شرکت با میزان تقلب رابطه دارد.
Boasly	بررسی نقش اعضای هیئت مدیره و کمیته حسابرسی در کاهش تقلب	۱۹۹۶	تعداد اعضای هیئت مدیره غیر موظف در ترکیب هیئت مدیره شرکت‌هایی که در آنها تقلب رخ داده نسبت به شرکت‌های دیگر تعداد کمتر بوده اند، اندازه شرکت‌های حسابرسی کننده با میزان تقلب در شرکت‌های صاحبکار رابطه دارد و سود آوری شرکت و تعداد سالهایی که شرکت تاسیس شده از متغیرهای مهم پیش بینی تقلب است.
Dechow	بررسی نقش اعضای هیئت مدیره و کمیته حسابرسی در کاهش تقلب	۱۹۹۶	اعضای غیر موظف هیئت مدیره نقش به‌سزایی در کاهش تقلب دارند، اندازه شرکت‌های حسابرسی با میزان تقلب در شرکت‌های صاحبکار رابطه منفی دارد و اجرم مالی شرکت و دیگران یکی از متغیرهای مدل پیش بینی تقلب است.
Strawser	بررسی میزان قابلیت اخلاص دارائیه	۱۹۹۷	دارائیهایی چاری مدل وجه نقد و موجودی کالا بیشتر از سایر دارائیه در معرض اخلاص هستند.
Summers Sweeney	بررسی رابطه بین تغییر حسابرس و تقلب مدیریت	۱۹۹۸	مدیران ممکن است به دلیل کاهش احتمال کشف تقلب توسط حسابرس نسبت به استخدام حسابرسان جدید اقدام نمایند.
کمیته Blue Ribbon	بررسی نقش اعضای هیئت مدیره و کمیته حسابرسی در کاهش تقلب	۱۹۹۹	توصیه شده برای بهبودی اثر بخشی کمیته حسابرسی از اعضای هیئت مدیره غیر موظف استفاده شود.
Bell Carcello	بررسی برخی از عوامل مهم در پیش بینی تقلب	۲۰۰۰	۱- تغییر مدیریت و رشد سریع غیر معقول از عوامل مهم در مدل پیش بینی تقلب است.
MOSTAFA	اخلاص دارائیه: آزمون استاندارد حسابرسی شماره ۸۲ (A۲) فاکتورهای ریسک	۲۰۱۲	تعداد اعضا غیر موظف هیئت مدیره در کمیته حسابرسی در شرکت‌هایی که در آنها اخلاص دارائیه رخ داده به جلوی معنی داری کمتر از شرکت‌هایی بدون تقلب است.
Chen	مشخصات گزارشگری مالی تحریف شده شرکت‌های کامپیوتری	۲۰۰۳	شرکت‌هایی که در معرض اخلاص دارائیه قرار گرفته اند در دو سال اخیر نسبت به تصویب حسابرسان بیشتر از سایر شرکت‌های اقوام کرده اند و نرخ رشد بالاتر نسبت به سایر شرکت‌ها داشته اند.
			ویژگیهای مالی افزایش حاشیه سود، بازدهی مجموع دارائیه، کاهش جریانهای نقدی و گردش موجودی کالا مشتمل است در شرکت‌های کامپیوتری و غیر کامپیوتری و ویژگیهای مالی سرمایه گذاری در پژوهش و توسعه، مخارج بازاریابی و فروش و جریانهای نقدی آزاد مشخص شرکت‌های کامپیوتری است. تجزیه و تحلیل رگرسیون قابلیت انکشاف بیشتری از تجزیه و تحلیل شبکه های عصبی در پیش بینی تقلب است.

موفق آمیز و اجتناب از ریسک مستلزم یک سری شناخت پایه ای از موقعیتهای مناسب برای تقلب است که به صورت مکرر مورد پژوهش قرار گرفته اند. برخی از علایم هشداردهنده برای ریسک وجود تقلب به شرح ذیل است:

۱- اعضای هیئت مدیره و معاونین مدیر عامل

- ۱-۱- هیچ سیستم کنترلی در زمان تصدی آنان وجود ندارد.
- ۱-۲- زندگی مجلل و غیر متعارف دارند.
- ۱-۳- اعضای هیئت مدیره بر اثر عدم توافق اعضاء با یکدیگر بر روی استراتژیهای شرکت به طور مکرر تغییر می کنند.
- ۱-۴- در پاداش اعضای هیئت مدیره، پاداشهای غیر نقدی و طرحهای اختیار حق خرید سهام مکرر تغییر صورت می گیرد.
- ۱-۵- سهم مهمی از ثروت آنان به ارزش سهام شرکت وابسته می باشد.
- ۱-۶- طرح پاداش هیئت مدیره شرطی و وسوسه آمیز است.
- ۱-۷- برنامه های بازخرید سهام متغیر است.
- ۱-۸- معاملات بین اعضاء هیئت مدیره و شرکت هایشان وجود دارد.

۲- معاملات و عملیات مالی

- ۲-۱- وقوع معاملات مهم در پایان دوره
- ۲-۲- در معاملات بزرگ و منحصر به فرد
- ۲-۳- جدید، بزرگ و یا غیر متعارف بودن مشتریان
- ۲-۴- موافقتنامه مربوط به جدول زمانی تحویل کالا، انبار، برگشتی، جایگزینی و یا شرایط اعتباری فروش
- ۲-۵- عدم وجود برنامه ای جهت تجدید نظر در تامین کنندگان مواد اولیه،
- ۲-۶- تبدیل بخشی از هزینه ها تحت عناوین مختلف دارایی نظیر موجودی کالا، پیش پرداخت و یا سایر داراییها،
- ۲-۷- غیر متعارف بودن انحراف بین بودجه و عملکرد به صورت مستمر طی چند سال
- ۲-۸- کنترلهای ضعیف پرداختها،
- ۲-۹- معاملات عمده با اشخاص وابسته،

۳- تکنولوژی اطلاعات و دارائیهای معنوی

- ۳-۱- نفوذ افراد خارجی در سیستمهای اطلاعاتی شرکت
- ۳-۲- اعتماد زیاد به مشاورین
- ۳-۳- تاخیر زیاد در ثبت حسابها در کامپیوتر
- ۳-۴- عدم وجود سیاستها ، رویه ها و مقررات
- ۳-۵- تاخیر و یا عدم توفیق در پیاده سازی سیستمها

۴- محیط کنترلی و سیستم

- ۴-۱- فقدان آیین نامه انضباطی در شرکت
- ۴-۲- فقدان سیاستها و رویه های مالی
- ۴-۳- ضعف کنترلهای بودجه ای و پیش بینی
- ۴-۴- نقص و یا به موقع نبودن گزارشات مالی
- ۴-۵- عدم ثبت دفاتر به صورت همزمان (on line)
- ۴-۶- فقدان مکانیزم گزارشگری هشدار دهنده
- ۴-۷- نبود یا ناقص بودن تعریف حدود اختیارات مالی و سیاستهای تصویب شده

۵- سایر موارد

- ۵-۱- عدم ثبت بعضی از معاملات در دفاتر قانونی شرکت
- ۵-۲- فقدان استراتژی مدیریتی برای رشد شرکت
- ۵-۳- عدم توجه به گزارشات حسابرسی داخلی
- ۵-۴- عدم توجه کافی و کامل به تقلبات و تخلفات دوره های قبل
- ۵-۵- تمرکز محدود حسابرسی داخلی
- ۵-۶- وجود حسابهای مغایرت دار شامل حسابهای بانکی ، حسابهای سرمایه گذاری ، حسابهای بین شرکتی و یا مانده های حساب دفتر کل بدون تجزیه و تحلیل

یکی از راهکارهای اصلی در انواع وضعیتهای کسب و کار، معاملات و پرهیز از مسایل مطرح شده فوق ایجاد یک محیط کنترلی مناسب برای کاهش فرصتها و موقعیتهای انجام تقلبات است. یک محیط مناسب نیازمند برخی از الزامات به شرح ذیل میباشد:

۱ - سیستم اعلام خطر مناسب برای رعایت قوانین و مقررات شرکت

۲ - عدم قائل شدن استثنا در قوانین و مقررات

۳ - بررسی دقیق تقلب یا تخلفات به طور مداوم

۴ - مجازات متناسب با جرم

۵ - آیین نامه انضباطی شرکت

در تمامی موقعیتهای تقلب که آنها آزمون کردند برخی یا تمامی الزامات فوق نادیده گرفته شده، در برخی دیگر به طور کلی فراموش شده و در تعدادی نیز به طور مناسب به کار گرفته نشده اند. در شرکت‌هایی که سعی فراوانی در به کارگیری چنین استانداردهایی در عملیات شرکت‌های فرعی و کارکنان سرپرستی نموده اند هرگز اشتباه فاحشی رخ نداده است. پیام مشخص است "اعتماد، همراه با بررسی و کنترل مستمر" به دلیل اینکه تقلب معمولاً توسط افراد باهوش صورت می‌پذیرد، از نظر مقاصد کاملاً پنهان است و اغلب به وسیله کارکنانی که به آنها اعتماد می‌شود صورت می‌پذیرد لذا پیش بینی و کشف آن مشکل است.

برای پیش بینی و کشف رفتار تقلب آمیز پیشنهاد شده که برای حسابرسان داخلی دوره های آموزشی گذاشته شود. به اعتقاد اکثر افراد حرفه حسابرسان در زمینه کشف تقلب و فن حسابرسی دارای تجربه کم بوده و یا آموزشی در این خصوص ندیده اند. اکثر حسابرسان با ابزارها و تکنیکهای قانونی آشنا نیستند. آموزش علایم هشداردهنده عمومی و فرآیندهای شرکت به از بین بردن بی تجربگی مرتبط با تقلب در اکثر کارکنان و حسابرسان داخلی کمک می‌کند. ثانیاً، زمانی که نیاز یا موقعیت حفظ وضعییت حرفه ای وجود دارد پیشنهاد می‌شود حداقل موارد حرفه ای ذیل مورد ملاحظه قرار گیرد:

۱ - فقدان مکانیزم های صحیح دامنه بررسی و کنترل را کم می‌کند، اغلب اشتباهات پس از رخ دادن کشف می‌شوند. بررسی کامل بعدی به طور ذاتی حقایق را پوشش نمی‌دهد لذا می‌بایستی مکانیزم های ذیل را به کار گیریم:

- تعقیب قانونی یا مجازات کردن مجرم متناسب با جرم

- دفاع قانونی از شرکت
- حفظ یک روند استقرار و صحیح بدون نوسان
- ایجاد ذهنیت عمومی برای پیشگیری از تخلفات
- پوشش مناسب داراییها
- بازیابی مستمر رویه های قانونی ، سیستمها ، کنترلها و یا پرسنل به منظور کاهش ضعف ها و جلوگیری از وقوع مجدد تقلب
- برقراری تعامل مناسب بین مجریان قانون و سرمایه گذاران
- محافظت روسا و مدیران از سوء مدیریت شرکت
- برقراری اصول و قواعد مناسب برای وفاداری کارکنان ، پوشش دادن و ادعاهای احتمالی
- ۲ - سیاستها ، رویه ها و عملیات اساسی به طور مستقل مرور گردد . این کار ممکن است شامل آزمون مستقل موارد ذیل باشد :
- سیاستها ، رویه ها و اصول حسابداری اساسی و چگونگی عملیاتی کردن اصول مذکور و بستن حسابها
- اصول مهم پذیرفته شده حسابداری که می بایستی برای عملیات تجاری به کار گرفت
- معاملات عمده غیر متعارف یا پیچیده که ممکن است مستلزم دقت بیشتر باشد
- کنترلهای حسابداری کلیدی و رویه های آن (آنچه که " به عنوان بهترین عمل " با در نظر داشتن بخشنامه ها و مقررات لازم به کار می گیرند)
- کنترل های کلی و ساختاری (آنچه که برای کاهش ریسک حسابداری مالی و گزارشگری به خدمت گرفته شده است)
- ۳ - دوره حسابرسی مستقل و بررسی آن به صورت چهار ماهه باشد . بررسی حسابرسی توسط حسابرس مستقل دارای ویژگیهای زیر باشد :
- کامل و قابل اتکاء باشد .
- به صورت صحیح برنامه ریزی و سرپرستی شده و به خوبی اجرا شود .
- با هدف توجه به معاملات عمده و مسایل مهم حسابداری باشد .
- یافته ها ، قضاوتهای حسابرسی ، نتایج و توصیه های آنان به سرپرستان ، مدیران ، کمیته حسابرسی و هیئت مدیره قابل فهم باشد .

- شامل بررسی تامین کنندگان مواد اولیه قابل قبول و برنامه های مرور تامین کنندگان مواد اولیه باشد .

- پرونده شرکاء تجاری کلیدی و سوابق آنها به روز شود .

- نحوه اجرای آیین نامه انطباطی ، مسئولین اجرایی آیین نامه و اثر بخشی آن بررسی گردد .

۴ - معاملات خاص مانند ادغام و تحصیل شرکت ، سرمایه گذاری اقلیت ، سرمایه گذاری خارجی ، سرمایه گذاری مشترک مورد بررسی قرار گیرد و استخدام مدیران یا اعضاء هیئت مدیره مورد بررسی قرار گیرد . در این وضعیتها یک بررسی ممکن است شامل موارد ذیل باشد :

- سوابق مالی و پرسنلی مدیران اجرایی کلیدی و شرکای تجاری

- مسایل مرتبط با حسابداری و گزارشگری

- سؤال برانگیز بودن عملیات تجاری

- رقابت داخلی واحد تجاری با پرسنل

- قانونی بودن منابع مالی

- معامله با افراد صاحب منصب قانونی

هر یک از این فعالیتها بخشی از برنامه های حرفه ای برای پیشگیری و کشف تقلب است .

در بخش نتیجه گیری بیان شده بود که شناسایی علل ریشه ای و آزمون کردن آنها کاری ساده نیست . بزرگترین مشکلات در عملیتهای عمده اما بدون کنترل رخ می دهد ، اکثر شرکتهایی که بر عملیات شرکتهای فرعی خود کنترل دارند با مشکلات کمتری مواجه هستند . مشکلات عمده با مقامات ارشد شرکتهای و چگونگی انتخاب ایشان و تغییراتشان ارتباط دارد . تاکید می شود رهبران و مدیران الگوی جدید (مشکلات ریشه ای) را برای ارزشیابی ریسک تجاری بومی سازی نمایند .

در بخش دیگری از گزارش آمده است این واقعیت که مدیران می توانند آسیبهای مالی زیادی به شرکتهای بزنند کاملاً از پژوهشهای اخیر که در رابطه با شرکت های سهامی عام صورت پذیرفته مشهود است . طبق پژوهش چارلز پی کولینان^۱

و استو جی استون^۱ که بر مبنای الزامات حسابداری و حسابرسی منتشره توسط SEC صورت گرفته (AAERS که نشان دهنده انجام تقلب انجام شده و منتشره است) ۷۰/۸ درصد تقلبات به وسیله مدیران اجرایی سطح عالی سازمانها انجام می شود . پژوهش‌های مشابهی به وسیله بیسلی و همکاران^۲ بر روی ۲۰۴ شرکت بر مبنای تقلبات منتشره توسط SEC از سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۷ انجام شد که منجر به نتایج مشابهی گردید نتایج مطالعات آنها نشان داد که مدیران عامل (CEO) یا سایر مدیران اجرایی ارشد در ۷۲ درصد از تقلبات درگیر بوده اند .

۴ - پرسشهای پژوهش

اصلی ترین پرسش پژوهش این است که علایم هشدار دهنده از دیدگاه مدیران مالی و حسابرسان مستقل کدامند ؟
آیا جهت رتبه بندی میزان اهمیت علایم هشدار دهنده نسبت به یکدیگر وحدت نظر وجود دارد ؟
آیا بین دیدگاه‌های حسابرسان مستقل و مدیران مالی در خصوص اهمیت علایم هشدار دهنده تقلبات و سوء جریانات تفاوت اساسی وجود دارد ؟

۵ - جامعه مورد پژوهش و روش نمونه گیری

دو جامعه آماری در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت اول جامعه حسابداران رسمی ایران در شهریور ماه ۱۳۸۲ که شامل ۱۱۵۱ نفر طبق لیست منتشره توسط جامعه و دوم مدیران مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران شامل ۳۵۹ نفر مدیر مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است . با توجه به اینکه می بایستی حجم نمونه تا حد ممکن معرف جامعه باشد و به علاوه در تحلیل عاملی نیاز به اندازه های نمونه نسبتاً بزرگ است به منظور ایجاد تناسب بین پرسش شوندگان تعداد ۲۵۰ نفر مدیر مالی و ۲۵۰ نفر حسابرس مستقل به طور تصادفی انتخاب گردیدند از این تعداد ۴۱۸ پرسش‌نامه برگشت داده شد که شامل ۲۱۰ نفر مدیریت مالی و ۲۰۸ نفر حسابرس مستقل بودند .

۶- روش پژوهش

در برخی پژوهش‌ها، گروه‌های مختلف با اهداف و نیازها یا ارزش‌های متفاوت، در رابطه با یک موضوع خاص مورد آزمون قرار می‌گیرند. این‌گونه پژوهش‌ها، پژوهش با استفاده از گروه‌های مختلف پرسش‌شونده نامیده می‌شود. از منافع با اهمیت چنین پژوهش‌هایی، مورد توجه قرار دادن نگرش گروه‌های مختلف و توانایی بررسی و مقایسه نتایج به دست آمده است. در این پژوهش دیدگاه دو گروه حساب‌برسان مستقل و مدیران مالی از طریق پرسش‌نامه مورد پیمایش قرار گرفت. علت استفاده از پرسش‌نامه در پژوهش این است که نسبت به روش مصاحبه اطلاعات جمع‌آوری شده از هر گونه تاثیر محیطی همانند سوگیری به دور بوده و از اعتبار بیشتری برخوردار است. ضمن اینکه طرح سوالات از طریق پرسش‌نامه موجب می‌شود پاسخ‌دهندگان زمان بیشتری برای فکر کردن در مورد پاسخها داشته باشند.

قبل از تهیه پرسش‌نامه به منظور دستیابی به یک لیست علایم هشداردهنده با استفاده از متون و ادبیات حسابرسی، استانداردهای پذیرفته شده حسابرسی و پژوهش‌های انجام شده توسط پژوهشگران قبلی در این خصوص و با لحاظ داشتن شرایط محیطی ایران ابتدا لیستی از علایم تهیه شد و سپس اعتبار عوامل مذکور از طریق مصاحبه با متخصصان، مدیران بنگاه‌های تجاری، اساتید دانشگاه در حوزه‌های مربوطه، حساب‌برسان مستقل، حساب‌برسان داخلی و... و پس از تایید توسط استاد راهنما پرسش‌نامه مقدماتی در خصوص تعیین اهمیت هر یک از عوامل از دیدگاه مدیران مالی و حساب‌برسان مستقل به منظور انجام آزمون محتوایی تهیه شده و به صورت محدود بین متخصصین توزیع گردید. پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌های مقدماتی به منظور رفع ابهامات و یا نواقصی بالقوه پرسش‌نامه، آزمون مقدماتی^۱ گردید در این مرحله از متخصصین خواسته شد ضمن پاسخ به سوالات، نظریات و توصیه‌های خود را ارائه نمایند. بر اساس اطلاعات دریافتی از این مرحله پرسش‌نامه مقدماتی، پرسش‌نامه نهایی تهیه گردید. پرسش‌نامه نهایی متشکل از دو بخش بود: بخش اول شامل اطلاعات عمومی (جمعیت‌شناسی) و بخش دوم شامل ۵۰ سوال بود که ۴۲ سوال علایم هشداردهنده بودند و ۸ سوال دروغ‌سنج بودند. برای برآورد ضرایب اعتبار ابزار پژوهش از روش

فرمول کلی کرونیباخ استفاده شد این ضرایب برای دو گروه مدیران مالی و حسابرسان مستقل و کل نمونه در مرحله قبل از اجرای روش تحلیل عاملی و پس از اجرای آن که مستلزم حذف سوال شماره ۱۰ بود برآورد گردید این ضرایب پس از حذف سوال ده برای مدیران مالی ۰/۸۸۹ و حسابرسان مستقل ۰/۹۲۰ و برای کل نمونه ۰/۹۶۰ بود که نشان دهنده این است که ضرایب اعتبار که بر پایه فرمول کلی کرونیباخ برآورد گردیده بسیار بالاست و ابزار پرورش یافته در مرحله نهایی از هماهنگی کامل برخوردار می‌باشد. یک ابزار اندازه گیری بایستی از سه نوع روایی محتوا، روایی سازه و روایی همزمان برخوردار باشد. تجزیه و تحلیل روایی محتوا معمولاً بر پایه تئوریهای موجود و توسط متخصصان، کارشناسان موضوعی و صاحب نظران صورت می‌گیرد به همین دلیل پرسشنامه مقدماتی بین تعدادی از متخصصان و صاحب نظران توزیع و به صورت تئوری اجرا شد و توصیه های ایشان در پرسشنامه نهایی لحاظ گردید. همچنین برای روایی سازه نیز از مهمترین روش رواسازی یعنی تحلیل عاملی مواد پرسشنامه استفاده شد و از این طریق معلوم گردید که مجموعه پرسشنامه های تهیه شده از ۵ عامل اشباع شده است و هم اینکه با استفاده از آزمون ۱ دیدگاه‌های حسابرسان مستقل و مدیران مالی در رابطه با شناسایی عوامل هشدار دهنده مورد آزمون قرار گرفت. نتیجه، نشانگر این مطلب بود که در سطح معنی دار ۵٪ تفاوت معنی دار بین نظریات دو گروه وجود ندارد. برای مشخص کردن ترتیب اولویت علایم هشداردهنده از دیدگاه حسابرسان و مدیران مالی برای هر سوال میانگین پاسخ های داده شده، انحراف استاندارد، همبستگی بین هر سوال و مجموع سوالات و همچنین اثر هر سوال در آلفای کرونیباخ محاسبه گردید. پس از استخراج نتایج پرسشنامه از تکنیک تحلیل عاملی به روش اکتشافی استفاده شد و با توجه به اینکه عاملها از یکدیگر مستقل بودند به روش چرخشی متعامد عاملها چرخش یافتند.

۷- یافته های پژوهش و تجزیه و تحلیل آنها

از آن جایی که تمامی میانگین های مربوط به سوالات از دید حسابرسان مستقل و مدیران مالی دارای میانگین بالاتر از ۲/۲ بود لذا تمامی سوالات به استثناء سوالات دروغ سنج شامل ۴۲ سوال به عنوان علایم هشداردهنده شناسایی شدند سپس اولویت بندی آنها بر اساس میانگینهای استخراج شده از دیدگاه حسابرسان مستقل و مدیران مالی بر اساس

پاسخهای ایشان انجام شد همانگونه که از (جدول ۱) و آزمونهای ۲ انجام شده برای ۵۰ سوال پرسشنامه (جدول ۲) مشخص می باشد اولویت اول هر دو گروه سوال ۴۱ می باشد لیکن در خصوص اولویت دوم حسابرسان مستقل سوال "تصمیم گیریهای متمرکز عملیاتی و مالی مدیریت تحت نفوذ یک فرد" را انتخاب نموده اند در حالی که اولویت دوم از دیدگاه مدیران مالی سوال "وجود معاملات مبهم و یا مانده حسابهای نامشخص" را انتخاب نموده اند. این تفاوت بدین دلیل است که حسابرسان مستقل از موضع یک بررسی کننده بیرون سازمانی به وضعیت شرکت نگاه می کنند بنابراین تصمیم گیری متمرکز مالی و عملیاتی برایشان مهمتر است لیکن مدیران مالی با توجه به اینکه در درون سازمان هستند وجود معاملات مبهم برایشان مهم تر از تصمیم گیری متمرکز مالی و عملیاتی است. در مورد سوال ۶ "بی تجربگی مدیریت" از دیدگاه مدیران مالی با توجه به درک بیشتر ایشان از بی تجربگی مدیران و موثر بودن آن در تقلب اهمیت بیشتری نسبت به حسابرسان مستقل دارد به همین دلیل در اولویت پنجم قرار داده اند. در مورد سؤال ۸ "وابستگی زیاد پاداش مدیریت به سود حسابداری" از دیدگاه حسابرسان مستقل اهمیت بیشتری نسبت به مدیران مالی دارد که به دلیل این است که مدیران مالی اطلاع دارند که طبق فرمولهای رایج محاسبه پاداش اعضای هیئت مدیره یکی از پارامترهای اصلی توسط مجامع سود حسابداری است بنابراین حساسیت کمتری نسبت به حسابرسان مستقل به این سوال دارند و به همین دلیل سوال ۲۳ که "تاکید بیش از اندازه به دستیابی به اهداف کمی که رسیدن به آنها موجب پرداخت مبالغ عمده به عنوان پاداش مدیریت می شود" را نیز اولویت بیست و دوم قرار داده اند در حالی که از دیدگاه حسابرسان مستقل اولویت شانزدهم است. در مورد سوال ۴۰ "تکرار نوع معاملاتی که حسابرسی آنها مشکل باشد بر مانده حسابها و یا طبقه بندی آنها تاثیر می گذارد" از دیدگاه حسابرسان مستقل با توجه به حرفه خودشان اعتقادی به مشکل بودن حسابرسی معاملات ندارند به همین دلیل اولویت کمتری به این سوال داده اند. در مورد سوال ۳۴ "بی تجربگی و اهمال در وظایف پرسنل حسابداری و سرپرستان ایشان که مسئول برآورد و پیش بینی هستند" مدیران مالی با توجه به اینکه در مورد برآورد و پیش بینی نقش بررسی خودشان و مدیران عالی شرکت را پس از انجام برآورد مهم می دانند لذا اولویت کمتری به این سوال اختصاص داده اند و بالعکس در مورد سؤال ۴۴

"نداشتن شناخت و آگاهی و توان تشخیص مسئولان در تعیین مانده و یا طبقه بندی حسابها" به دلیل اینکه معمولاً پس از تشخیص مسئولان کنترل دقیقی از سوی ایشان صورت نمی‌پذیرد و یا مدیران عالی روی این موضوع بررسی نمی‌کنند دارای اولویت بیشتری از نظر مدیران مالی است. در ارتباط با سوال ۳۶ "وجود شرایط بحرانی که به طور ثابت در حوزه عملیات یا حسابرسی به وجود می‌آید" به دلیل اینکه مدیران مالی معمولاً در این شرایط قرار گرفته و آن را تجربه کرده‌اند، لذا درک و احساس بیشتری نسبت به این شرایط دارند. بنابراین اولویت بیشتری به این سوال داده‌اند. در مورد مابقی سوالات به لحاظ اولویت بندی، تفاوت زیادی مشاهده نمی‌گردد. همچنین از دید هر دو گروه کم اهمیت ترین سوالات به ترتیب سوال ۴۷ "ترکیب موظف و غیر موظف هیئت مدیره" اولویت چهل و دوم (آخر) و سوال ۴۵ "کمیت و بزرگی اقلامی که مانده یا طبقه بندی حساب را تشکیل می‌دهد" اولویت چهل و یکم (ماقبل آخر) و سوال ۴۸ "دولتی بودن یا عمومی بودن مالکیت واحد تجاری" اولویت چهل است. برای مشخص کردن وجود تفاوت بین دو گروه مدیران مالی و حسابرسان مستقل از آزمون ۱ استفاده شد. نتیجه آزمون ۱ برای مجموع سوالات نشان دهنده عدم وجود تفاوت معنی دار بین دو گروه است. همچنین نتیجه آزمون ۱ نشان دهنده وجود تفاوت معنی دار در عامل سوم "عامل اقتصادی" بین دو گروه است و در مابقی عوامل تفاوت معنی دار بین دو گروه وجود ندارد. در واقع می‌توان گفت بیشتر تفاوت‌های بین دو گروه توسط عامل سوم تبیین می‌شود البته در عامل چهارم نیز تفاوت بین میانگین دو گروه با اهمیت است لیکن از نظر آماری معنی دار نیست. در عامل سوم که شامل علایم هشداردهنده مربوط به "عوامل اقتصادی" است میانگین مربوط به مدیران مالی بیشتر از حسابرسان مستقل است و دلیل این امر اشتغال به کار مدیران مالی در درون سازمانها و حساسیت بیشتر و درک عمیق تر آنها از مسایل مربوط به حسابداری است که شامل مجاز بودن شرکت در شناسایی درآمدها و هزینه‌ها به روشهای متفاوت، وجود معاملات مبهم و یا مانند حسابهای نامشخص که حسابرسی آنها مشکل است، وجود معاملات غیر عادی اشخاص وابسته، فقدان و یا حذف کنترل‌های داخلی و وجود گزارش مردود و یا عدم اظهار نظر و مسایل مدیریتی شامل تصمیم‌گیریهای متمرکز عملیاتی و مالی مدیریت تحت نفوذ یک نفر، اداره شرکت به صورت غیر متمرکز ولی بدون نظارت و مجاز بودن مدیریت به فروش

بخشی از محصول به قیمت‌های تثبیت شده و بخشی به قیمت آزاد که مرتبط با عملکرد مدیریت عالی شرکت بوده و ایشان در این زمینه تجربه بیشتر دارند. همچنین برای مشخص نمودن تفاوت معنی دار بین دو گروه پرسش شونده برای تمامی ۵۰ سؤال مندرج در پرسش‌نامه از آزمون t استفاده شد. نتایج نشان دهنده این است که دو گروه در سوالات شماره ۴۶ و ۴۵، ۴۰، ۳۶، ۳۴، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۱۹، ۱۷، ۱۳، ۶، ۱ دارای تفاوت معنی دار هستند. از این سوالات برخی از سوالات شامل سوال ۱۷، ۲۴ و ۲۵ سوالات دروغ یاب پرسش‌نامه هستند در مورد بقیه سوالات نیز عامل تفاوتها در قسمت بالا توضیح داده شد. به طور کلی سوالات برای مدیران مالی مهم تر از حسابرسان مستقل است. مشخصه‌های آماری اولیه که با اجرای تحلیل مولفه های اصلی به دست آمد نشان داد که ارزش ویژه ۱۱ عامل بزرگتر از یک است چنانچه بر پایه نتایج حاصل از ۱) مفروضات تحلیل عاملی ۲) توجه به درصد تبیین واریانس ۳) تثبیت نمودار SCREE که از عامل پنجم شروع می شود، تعداد ۵ عامل استخراج گردید که ۴۴/۶ درصد کل واریانس را تبیین می کنند عامل یکم با ارزش ویژه ۹/۳۵، ۵۰ درصد از واریانس مشترک بین مواد پرسش‌نامه را تبیین می کرد. نتایج حاصل از چرخش متعامد به مقدار ۸ تکرار ماتریس ساختار حاصل شد. بر پایه ماتریس ساختار عاملها مجموعه پرسشهایی که مشترکاً با یک عامل همبسته بودند به ترتیب بیشترین بارعاملی به شرح ذیل استخراج و نامگذاری گردید:

عامل یکم: ریسک پذیری و خطر جویی

عامل دوم: ویژگیهای مدیریت

عامل سوم: ویژگیهای اقتصادی

عامل چهارم: بی ثباتی، ناتوانی و ناکافی بودن سودآوری

عامل پنجم: ویژگیهای ساختاری

شماره سوال

عامل یکم : ریسک پذیری و خطر جویی

- ۱-۱- نداشتن شناخت و آگاهی و توان تشخیص مسئولان در تعیین مانده و یا طبقه بندی حسابها ۲۴
- ۱-۲- وجود احتمال خطر در مانده حساب خاص و یا برخی از معاملات ۳۹
- ۱-۳- قابل تفسیر بودن طبقه بندی حسابها و ماهیت آنها و اختلاف درباره آنها ۳۸
- ۱-۴- عدم صلاحیت و تجربه کارمندان داده پرداز که عمل آنها در مانده یا طبقه بندی حسابها تاثیر دارد ۲۳
- ۱-۵- وجود شرایط بحرانی که به طور ثابت در حوزه عملیات یا حسابداری به وجود می آید ۴۶
- ۱-۶- وجود پیش بینی ها و برآوردهای غیر منطقی و غیر مسئولانه ۳۵
- ۱-۷- کمیت و بزرگی اقلامی که مانده یا طبقه بندی حساب را تشکیل می دهد ۲۵
- ۱-۸- پیچیدگی محاسبات در تعیین مانده حساب یا طبقه بندی حساب ۴۶
- ۱-۹- عدم وجود کنترل بر عملیات کامپیوتر به طوریکه بر ثبت یا حذف دارائیهها ، تاخیر در ثبت و ثبت اשתباهای عمده کنترلی وجود نداشته باشد ۳۷
- ۱-۱۰- تکرار نوع معاملاتی که حسابرسی آنها مشکل بوده و بر مانده حسابهای طبقه بندی آنها تاثیر می گذارد ۴۰

عامل دوم : ویژگیهای مدیریتی

- ۱-۲- وابستگی زیاد پاداش مدیریت به سود حسابداری ۸
- ۲-۲- تعصب و پافشاری مدیریت در تحقق درآمد پیش بینی شده ۳
- ۲-۳- ترس مدیریت از برکناری از سمت خود به واسطه عملکرد ضعیف خود ۷
- ۲-۴- فشار مدیریت بر حسابرسان جهت تحمیل زمان غیر منطقی و یا قیمت نامناسب ۹
- ۲-۵- برخورد پرخاشگرانه و نابجای مدیریت نسبت به گزارشات مالی ۳
- ۲-۶- بحث و مشاجره مکرر مدیریت در ارتباط با به کارگیری روشهای حسابداری که موجب ازدیاد درآمد موسسه می شود ۳۲
- ۲-۷- ضعیف بودن شهرت مدیریت در محافل تجاری ۵
- ۲-۸- تاکید بیش از اندازه بر دستیابی به اهداف کمی که رسیدن به آنها موجب پرداخت مبالغ عمده به عنوان پالایش مدیریت می شود ۳۳
- ۲-۹- جایجایی و نقل وانتقال مدیران و کارکنان کلیدی حسابداری ۲
- ۲-۱۰- رفتار غیر منطقی مدیران کلیدی ۱۱

عامل سوم : ویژگیهای اقتصادی

- ۳-۱- مجاز بودن شرکت در شناسایی درآمدها و هزینه ها به روشهای متفاوت ۲۸

- ۳-۲ وجود معاملات مبهم و یا مانده حسابهای نامشخص که حسابرسی آنها مشکل است ۲۹
- ۳-۳ وجود معاملات غیر عادی در ارتباط با اشخاص وابسته که خارج از جریان عادی کار موسسه است ۳۰
- ۳-۴ مجاز بودن مدیریت به فروش بخشی از محصول به قیمتهای تثبیت شده و بخشی به قیمت آزاد ۲۲
- ۳-۵ اداره شرکت به صورت غیر متمرکز ولی بدون نظارت ۱۸
- ۳-۶ فقدان و یا ضعیف بودن کنترلهای داخلی ۳۱
- ۳-۷ وجود گزارش مردود و یا عدم اظهار نظر حسابرسی سالهای قبل ۳۱
- ۳-۸ تصمیم گیریهای متمرکز عملیاتی و مالی مدیریت تحت نفوذ یک فرد ۱
- عامل چهارم : بی ثباتی ، ناتوانی و ناکافی بودن سود (ضعف مدیریت)**
- ۴-۱ حساسیت عملیات موسسه نسبت به عوامل اقتصادی مانند نرخ بهره ، تورم ، بیکاری و نرخ ارز ۱۶
- ۴-۲ ناتوانی شرکت در بازپرداخت تسهیلات در سررسید ۱۹
- ۴-۳ ناپایداری و ناکافی بودن سود آوری صنعتی که موسسه در آن فعالیت می کند ۲۱
- ۴-۴ بی ثباتی و ناکافی بودن سود آوری موسسه در مقایسه با سایر شرکتهای مشابه در صنعت ۱۵
- ۴-۵ افزایش سریع فروش و سود شرکت در سالهای اخیر ۲۰
- ۴-۶ بی تجربگی مدیریت ۶
- عامل پنجم : ویژگیهای ساختاری**
- ۵-۱ دولتی یا عمومی بودن مالکیت واحد تجاری ۲۸
- ۵-۲ ترکیب موظف و غیر موظف اعضا، هیئت مدیره ۳۷
- ۵-۳ نبود حسابرس داخلی در شرکت صاحبکار ۴۹
- ۵-۴ وجود قوانین سختگیرانه ۲۳
- ۵-۵ وجود تضاد منافع بین واحد تجاری و کارکنان آن واحد ۲۷

بین هیچیک از عاملها با یکدیگر همبستگی وجود نداشت و به بیان دیگر عوامل به گونه کلی مستقل از یکدیگر بودند .

با توجه به اینکه کلیه علایم هشداردهنده شناسایی شده در این پژوهش حاصل اجماع علایم هشداردهنده پژوهشات قبلی و همچنین علایم هشداردهنده ارایه شده توسط کمیسیون تردوی در سال ۱۹۸۷ استاندارد حسابداری شماره ۵۳ و استاندارد حسابداری شماره ۸۲ آمریکا (SASNO 82) سال ۲۰۰۲ ، استاندارد حسابداری شماره ۲۴ منتشره

توسط هیئت تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی ایران و اظهار نظر متخصصین و اساتید دانشگاهی با نتایج انطباق دارد و در مورد اولویت اهمیت علایم هشداردهنده نیز با نتایج پژوهش خانم آپستلو که شامل ویژگیهای مدیریت، ویژگیهای شرکت و ویژگیهای صنعت به ترتیب اهمیت از دیدگاه حسابرسان داخلی بوده هماهنگی دارد. نتیجه اجماع نظر حسابرسان و مدیران مالی در خصوص اولویت بندی علایم هشداردهنده به ترتیب در جدول (۳) آورده شده است.

۸ - محدودیت های پژوهش

محدودیت‌های این پژوهش به ترتیب زیر بوده است :

- ۱ - نارسایی مرتبط با متدولوژی پژوهش در زمینه استفاده از پرسش‌نامه کتبی که به علت محدودیت‌های ذاتی این ابزار اندازه گیری است .
- ۲ - عدم پاسخ به برخی از پرسش‌نامه های توزیع شده منجر به این احتمال می گردد که پاسخ بالقوه پرسش شوندگان که هرگز به پرسش‌نامه پاسخ ندادند نتایج پژوهش را تحت تاثیر قرار دهد .
- ۳ - اگر چه نمونه گیری در این پژوهش به صورت تصادفی و با فرض نرمال بودن توزیع آن انجام گرفته است لیکن برای تعمیم پذیری نتایج پژوهش این احتیاط بایستی در نظر گرفته شود که تعمیم این علایم برای شرکت‌هایی امکانپذیر است که با ویژگی جامعه و نمونه انتخاب شده همگن و همتا باشد .
- ۴ - این پژوهش به بررسی برخی از علایم هشدار دهنده استخراج شده از متون تخصصی و با نظر متخصصین داخلی پرداخته است در صورتی که می تواند علایم هشدار دهنده دیگری نیز وجود داشته باشد .
- ۵ - داده های به دست آمده صرفاً بیان کننده نظرات و برداشتهای افراد نمونه می باشد لذا نتایج این پژوهش بایستی با لحاظ این مطلب تفسیر و تعمیم داده شود .
- ۶ - علایم هشدار دهنده با توجه به شرایط محیطی فعلی ایران مورد نظر خواهی و شناسایی قرار گرفتند با تغییر شرایط محیطی این علایم و میزان اهمیت آنها می تواند تغییر یابد .

۹- پیشنهادات برای انجام پژوهشات آتی

در این پژوهش دیدگاه‌های حساب‌رسان مستقل و مدیران مالی در ارتباط با شناسایی عوامل هشدار دهنده و اولویت بندی آنها مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این پژوهش می‌تواند برای سازمان حسابرسی و شرکت‌های حسابرسی بعنوان لیستی از علایم هشدار دهنده که به ترتیب اهمیت اولویت بندی شده اند برای کاهش ریسک حسابرسی مورد استفاده قرار گیرد. این نتایج می‌تواند برای استفاده مدیران مالی برای توجه به سازمانی که در آن مشغول فعالیت هستند و یا می‌خواهند در آن اشتغال پیدا کنند مفید باشد همچنین سازمان بورس اوراق بهادار تهران می‌تواند از این لیست برای ایجاد مکانیزمی که بتوان این علایم را در مورد شرکت‌ها ثبت و ضبط نمود و به سرمایه گذاران ارائه و یا احیاناً برخوردهای مورد لزوم با شرکت صورت داد استفاده نماید. در شرایطی که نتایج این پژوهش به سئوالات متعددی که مطرح شده بود پاسخ داد لیکن موجب گردید که سئوالات جدیدی نیز مطرح شود بدین صورت که موضوعات دیگری برای پژوهشات آتی به شرح ذیل مشخص نمود:

- ۱- بررسی علایم هشداردهنده و اولویت بندی اهمیت آن از دیدگاه حساب‌رسان داخلی
- ۲- بررسی علایم هشداردهنده از طریق افته به جای پرسش‌نامه
- ۳- استفاده از تکنیکهای آماری دیگر مثل AHP بجای تحلیل عاملی برای مشخص نمودن رتبه بندی اهمیت علایم هشدار دهنده
- ۴- تطبیق علایم هشداردهنده با پرونده های قضایی تقلبات مالی که قبلاً اتفاق افتاده است.
- ۵- بررسی کارایی چک لیست علایم هشداردهنده از طریق اعلام لیست علایم هشداردهنده به یک گروه و عدم اعلام به گروه دیگر و مطالعه نتیجه کشف تقلبات در شرکت‌های فرضی
- ۶- تغییر و به روزآوری علایم هشداردهنده و پژوهش مجدد بر روی آنها
- ۷- بررسی ارتباط علایم هشداردهنده با میزان تقلبات مالی

جدول (۱) مقایسه اولویت بندی علائم هشدار دهنده از دیدگاه مدیران مالی و حسابرسان مستقل

شماره سوال	عاملهای هشدار دهنده سوء جریانات نقدی و تقلبات			
	حسابرسان مستقل		مدیران مالی	
	اولویت	میانگین	اولویت	میانگین
۱	۲	۳/۷۰	۳	۳/۵۸
۲	۱۲	۳/۲۰	۱۵	۳/۱۱
۳	۱۴	۳/۱۸	۱۹	۳/۰۲
۴	۳۰	۲/۸۱	۳۰	۲/۸۰
۵	۲۹	۲/۸۱	۳۵	۲/۶۹
۶	۹	۳/۲۵	۵	۳/۵
۷	۱۵	۳/۱۱	۱۲	۳/۱۵
۸	۱۰	۳/۲۲	۱۴	۲/۱۳
۹	۲۳	۲/۲۲	۲۸	۲/۸۵
۱۰	۲۸	۲/۸۳	۲۵	۲/۸۷
۱۱	۲۶	۲/۸۹	۳۲	۲/۷۶
۱۵	۲۵	۲/۹۱	۲۹	۲/۸۳
۱۶	۳۵	۲/۶۱	۳۷	۲/۶۵
۱۸	۱۰	۳/۲۲	۸	۳/۲۷
۱۹	۳۹	۲/۲۴	۳۹	۲/۶۳
۲۰	۳۲	۲/۶۶	۳۲	۲/۷۳
۲۱	۳۶	۲/۵۹	۳۸	۲/۶۳
۲۲	۸	۳/۳۰	۹	۳/۳۳
۲۳	۳۸	۲/۲۸	۳۶	۲/۶۸
۲۷	۲۰	۳/۰۱	۱۶	۳/۱۱
۲۸	۷	۳/۲۲	۷	۳/۳۹
۲۹	۳	۳/۶۹	۲	۳/۵۸
۳۰	۴	۳/۶۷	۳	۳/۵۸

ادامه جدول ۱

شماره سوال	عوامل‌های هشداردهنده سوء جریانات نقدی و تعقیبات	اولویت بندی علایم هشداردهنده از دیدگاه حسابرسان مستقل		
		اولویت	میانگین	میانگین
		اولویت	میانگین	میانگین
۳۱	وجود گزارش مربوط یا عدم اظهار نظر حسابرس سالهای قبل	۱۳	۳/۱۹	۳/۱۷
۳۲	بخت و مشاجره مکرر مدیریت در ارتباط با بکارگیری روشهای حسابداری که موجب از یاد در آمدن موسسه می شود	۱۷	۲/۰۷	۳
۳۳	تاکید بیش از اندازه بر دستهبندی به اهداف کمی که رسیدن به آنها موجب پرداخت مبالغ عمده به عنوان پاداش مدیریت می شود	۱۶	۳/۱۰	۲/۸۹
۳۴	بی تجربگی و اهمال در وظایف پرسنل حسابداری و یا سرپرستان ایشان که مسئول بر آورد پیشبینی هستند	۱۹	۳/۰۱	۲/۸۵
۳۵	وجود پیش بینی ها و برآوردهای غیر منطقی و غیر مسئول	۲۱	۳	۳/۰۳
۳۶	وجود شرایط بحرانی که بطور ثابت در حوزه عملیات یا حسابداری بوجود می آید	۳۲	۲/۷۶	۲/۹۳
۳۷	عدم وجود کنترل بر عملیات کامپیوتر بطوریکه بر ثبت یا حذف داراییها ، تاخیر در ثبت و اشتباههای عمده کنترلی وجود نداشته باشد	۵	۳/۵۶	۳/۲۵
۳۸	قابل تفسیر بودن طبقه بندی حسابها و ماهیت آنها و اختلاف در باره آن	۳۳	۲/۷۳	۲/۷۶
۳۹	وجود احتمال خطر در مانده حساب خالص و یا برخی از معاملات	۱۱	۳/۲۰	۳/۱۳
۴۰	تکرار نوع معاملاتی که حسابرسی آنها مشکل باشد بر مانده حسابها و یا طبقه بندی آنها تاثیر می گذارد	۱۸	۳/۰۵	۳/۲۰
۴۱	فقدان و یا ضعیف بودن کنترلهای داخلی	۱	۳/۷۵	۳/۷۷
۴۲	ماهیت غت و مبلغ اشتباههای قطعی و احتمالی که در حسابرسی قبلی نسبت به مانده حساب یا طبقه بندی آن کشف شده باشد	۲۲	۲/۹۹	۳
۴۳	عدم صلاحیت و تجربه کارمندان داده پرداز که عمل آنها در مانده یا طبقه بندی حسابها تاثیر دارد	۲۷	۲/۸۸	۲/۸۶
۴۴	نداشتن شناخت و آگاهی توان تشخیص مسئولان در تعیین مانده و یا طبقه بندی حسابها	۳۱	۲/۷۹	۲/۹۱
۴۵	کمیت و بزرگی افلاسی که مانده یا طبقه بندی حساب را تشکیل می دهد	۴۱	۲/۳۸	۲/۶۱
۴۶	پیچیدگی محاسبات در تعیین مانده حساب یا طبقه بندی حساب	۳۷	۲/۵۷	۲/۷۲
۴۷	ترکیب موظف اعضاء هیات مدیره	۴۲	۲/۲۸	۲/۲۳
۴۸	دولتی یا عمومی بودن مالکیت واحد تجاری	۳۰	۲/۴۱	۲/۵۷
۴۹	نوع حسابرسی داخلی در شرکت صاحبکار	۲۳	۲/۹۷	۳/۰۷

جدول (۲) آزمون معنی دار بودن تفاوت دیدگاه حسابرسان و مدیران مالی در خصوص عوامل و مجموع علائم

هشدار دهنده

معنی دار بودن آزمون	اندازه P	عامل
بی معنی	۰/۹۷	یکم
بی معنی	۰/۸۶	دوم
معنی دار	۰/۰۰	سوم
بی معنی	۰/۸۵	چهارم
بی معنی	۰/۸۶	پنجم
بی معنی	۰/۲۴	مجموع علائم هشدار دهنده

جدول (۲) آزمون معنی دار بودن تفاوت دیدگاه حسابرسان و مدیران مالی در خصوص سئوالات

پرسش‌نامه

معنی دار بودن آزمون	اندازه P	شماره سئوالات	معنی دار بودن آزمون	اندازه P	شماره سئوالات
بی معنی	۰/۲۳	۲۶	معنی دار	۰/۰۰	۱
بی معنی	۰/۸۷	۲۷	بی معنی	۰/۸۲	۲
بی معنی	۰/۸۰	۲۸	معنی دار	۰/۰۲	۳
معنی دار	۰/۰۰	۲۹	بی معنی	۰/۲۵	۴
معنی دار	۰/۰۰	۳۰	بی معنی	۰/۲۱	۵
بی معنی	۰/۸۶	۳۱	بی معنی	۰/۹۹	۶
بی معنی	۰/۷۸	۳۲	معنی دار	۰/۰۳	۷
بی معنی	۰/۹۲	۳۳	بی معنی	۰/۰۸	۸
معنی دار	۰/۰۳	۳۴	بی معنی	۰/۲۶	۹
بی معنی	۰/۲۷	۳۵	بی معنی	۰/۱۹	۱۰
بی معنی	۰/۰۵	۳۶	معنی دار	۰/۰۰	۱۱
بی معنی	۰/۸۳	۳۷	بی معنی	۰/۸۵	۱۲
بی معنی	۰/۵۰	۳۸	بی معنی	۰/۳۳	۱۳
معنی دار	۰/۰۴	۳۹	بی معنی	۰/۳۱	۱۴
بی معنی	۰/۷۶	۴۰	بی معنی	۰/۹۳	۱۵
بی معنی	۰/۵۹	۴۱	بی معنی	۰/۶۵	۱۶
بی معنی	۰/۲۵	۴۲	معنی دار	۰/۰۵	۱۷
بی معنی	۰/۸۹	۴۳	بی معنی	۰/۶۷	۱۸
بی معنی	۰/۸۵	۴۴	بی معنی	۰/۳۳	۱۹
بی معنی	۰/۵۰	۴۵	بی معنی	۰/۲۶	۲۰
معنی دار	۰/۰۰	۴۶	بی معنی	۰/۰۸	۲۱
بی معنی	۰/۷۱	۴۷	بی معنی	۰/۰۱	۲۲
بی معنی	۰/۲۹	۴۸	معنی دار	۰/۰۳	۲۳
بی معنی	۰/۸۰	۴۹	معنی دار	۰/۰۰	۲۴
بی معنی	۰/۹۹	۵۰	بی معنی	۰/۷۷	۲۵

فهرست منابع و مآخذ

منابع فارسی :

- ۱- ارباب سلیمانی ، عباس و نفر محمود (۱۳۷۸) ، اصول حسابداری جلد اول ، نشریه شماره ۸۷ مرکز پژوهشات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی
- ۲- دستور العمل حسابداری ، (۱۳۷۸) نشریه شماره ۹۵ مرکز پژوهشات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی
- ۳- کمیته فنی سازمان حسابداری (۱۳۷۹) ، استانداردهای حسابداری ، نشریه شماره ۱۲۴ ، مرکز پژوهشات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی
- ۴- اکبری ، فضل الله و علیمدد مصطفی (۱۳۷۹) ، بررسی تحلیلی یا استفاده از تجزیه و تحلیل در حسابداری ، نشریه شماره ۱۴۲ ، مرکز پژوهشات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی
- ۵- ال وین آ. آنز و جمیزی لایک (۱۳۸۲) حسابداری (رویکردی یکپارچه) ، ترجمه دکتر علی پارسیان ، تهران انتشارات ترمه (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۲۰۰۰)
- ۶- هومن ، حیدر علی (۱۳۷۸) ، راهنمای تدوین گزارش پژوهش ، رساله و پایان نامه تحصیلی (چاپ اول) تهران ، نشر پارسا
- ۷- هومن ، حیدر علی ، (۱۳۸۰) تحلیل داده های چند متغیری در پژوهش رفتاری ، چاپ فرهنگ ۴۴۶-۳۶۷ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۸- هومن ، حیدر علی (۱۳۸۱) تهیه و استاندارد ساختن مقیاس سنجش رضایت شغلی ، مرکز آموزش مدیریت دولتی ۱۲۱-۱۶۴

منابع لاتین :

- 1-Albrecht , W.S & M.B.Romney . (1986) . **Red flagging management Fraud : A validation** advances in Accounting pp 323 - 333
- 2-Auditing standards Board .(1988), **Statement of Auditing standards NO 53, the Auditors responsibility for the detection of errors and irregularitis**. New york , AICPA.

- 3-Auditing standards Board .(1997), **Statement of Auditing standards NO 82 ,consideration of fraud in a financial statement** . New york . AICPA .
- 4-Auditing standards Board.(2002), **Statement of Auditing standards NO 99.Consideration of fraud in a financial statement** . Newyork . AICPA
- 5-Barbara Ann Apostolou . (1988). **An investigation of Internal auditor Judgment on the Importance of indicators of potential financial Fraud : An analytical Herarchy process approach** . unpublished Doctoral Sissertation . Louisiana state university .
- 6-Chen , Chia – Hui (2003) . **The frandulent financial reporting characteristics of the computer industry**.unpulished DBA dissertation,nova southastern university .
- 7-Danosp and Imhoff E.A . **Auditor review of financial forecasts an analysis of factors affecting reasonableness Judgments** , Accounting Review (Jan 1982)
- 8-Elliott R.K. & J.J. Willingham.(1980).**Management fraud : Detection and deterrence** . petrocelli Books .
- 9-Elliot,r and p.Gacobson .(1986) . **Detecting and deterring financial statement fraud . corporate Accounting** . 4 . fall 34 – 39
- 10-Green,Bran patrick.(1991).**Identifying management irregularities through preliminary anlytical procedure**,unpublished Doctoral Dissertation . kent state university .
- 11-Gill , John waits , (1992) . **The effects of a redflags questionnaire and selected elerments of cognitive style on the audit planing task of assessing the probability of material management fraud**.unpublished Doctoral dissertation university of mississippi .
- 12-Jensen ,M. &W. Meckling (1976) .**Theory of the firm: Managerial behavior , agency osts and ownership structure** . Journal of financial Economics .(October) : 305 –360
- 13-Kohler , (1983) **Kohlens dictionary for Accounting** , Edited by W.W cooper and yujiljiri , third ed , Englewood cliff , N.J , prentice Hall inc
- 14-Kurt Maclean Fanning . (1994) . **The litigation problem , Analytical procedures for Detecting fraudulent Financial Statements** . unpublished Doctoral dissertation , university of kansas .
- 15-Leary , carlo Ann.(2003) . **An examination of Invironmental disclosure in lok reports** . unpublished doctorla Dissertation , VIRGINIA commonwealth university .

- 16-Loebbecke . J , M . Eining and J.Willingham . (1989) **Auditors Experience With material Irregularities : frequency , Nature and Detectability** . Auditing : A Journal of practice & Theory . fall : 1 – 28
- 17-National commission on fraudulent financial Reporting . (1987) . **Report of National commission on fraudulent financial Reporting**
- 18-Ohta , yasuihiro(2003). **The forensic-Type phase: A game theoretic analysis of fraud detection in auditing** .unpublished Doctoral Dissertation, state university of Newyork at buffalo .
- 19- Onsim , **factor analysis of behariopal variables affecting bugetary slack** Accounting Review , (July 1973)
- 20-pankag saksena .(1997). **An empirical analysis of the relationship between enviromental factors and management frand** . unpublished Doctoral Dissertation . Georgia state university.
- 21-Price Waterhouse&Coopers.(2002).**Financial fraud– understanding the root cause** , Sameer taheer mustafa.(2003) **Misappropriation of assets:atest of sas NO. 82 risk factors** . unpolished doctoral Dissertation .
- 22-puolillo j.G.p and estes , R.W , **An empirical analysis of career choices factors among Accountants , Attorneys , Engineers and physicians**,Accounting Review,(oct 1982) Troy, camelita Janene(2003) **The devil made me do it : Managerial and strategic factors to accounting fraud** . unpublished doctor Dissertation , university of maryland collage park .
- 24-Uzun , Hatice , (2003) . **Essay on corporate finance** . unpublished Doctoral Dissertation , Drexel university .
- 25-Walsin , frederick Roelker . (1994) . **An inquiry into the causes of audit failure**.unpublished Doctoral dissertation.Golden gate university .